

**درس هجدهم:****عظمت نگاه****بند اول : ناتانائیل آنگاه که ..... به خود پردازي.****قلمرو زبانی:** ناتانائیل (منادا): یک مخاطب و شخصیت خیالی / کاش: شبه جمله**قلمرو ادبی:** پرداختن به ، کنایه از: توجه کردن و شناختن / پرواز، استعاره از حرکت به سوی معنویت**قلمرو فکری:** مفهوم این بند: بهره گیری از کتاب برای خود شناسی.**بند دوم : ناتانائیل ، هر آفریده ای نشانه .... که بدان نگاه می کنی .****قلمرو زبانی:** معطوف : بازگردانده شده / تصور : گمان ، پندار / ناتانائیل: بدل / درنگ : مکث ، / ناتانائیل: منادا**قلمرو ادبی:** همه و هیچ ، است و نیست: تضاد / هر آفریده ای .... نیست: پارادوکس / خدا همه جا هست و

نایافتنی است: پارادوکس

**قلمرو فکری:** عدم توانایی شناخت خدا / خداوند در همه جا هست / جاودانه بودن خداوند / فانی بودن همه غیر

از خدا / ای کاش « عظمت » در نگاه تو باشد: آرزو می کنم که اندیشه ات شکوهمند باشد.

**بند سوم : ناتانائیل ، من به تو شور ..... دیگر سوخته است.****قلمرو زبانی:** فسفر عنصر شیمیایی با رنگ زرد روشن که در مجاورت هوا مشتعل می شود. / جمله اول چهار جزئی

با مفعول و متمم

**قلمرو ادبی:** تشبیه: « اعمال ما وابسته به ماست، هم چنان که روشنایی فسفر به فسفر » ( نسبت اعمال ما به ما

(مشبه). نسبت روشنایی فسفر به فسفر (مشبه به) وابسته بودن: وجه شبه ) / « سوخته است »: کنایه از « رنج و سختی

کشیدن » / مراعات نظیر: روشنایی و فسفر

**قلمرو فکری:** ارتباط معنایی دارد با : « این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا »

«هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند »

مفهوم این بند : رسیدن به تعالی به خود ما بستگی دارد. / اعمال ما را می سوزاند: اعمال ما وابسته به ماست؛

راست است که ما را می سوزاند اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می آورد و اگر جان ما ارزش داشته باشد

برای این است که سخت تر از جان های دیگر سوخته است.

**بند چهارم : نیکوترین اندرز .....، صاف و روشن است.****قلمرو زبانی:** اندرز: پند، نصیحت / نیکوترین اندرز: ترکیب وصفی / نیلگون: به رنگ نیل (آبی سیر) / آه: شبه جمله**قلمرو ادبی:** بار به دوش گرفتن: کنایه از خدمت کردن یا پذیرفتن سختی کاری (تحمل کردن) / مانند کردن

چشم به آسمان و آسمان به نیل: تشبیه

**قلمرو فکری:** ( مفهوم بند: کمک به دیگران / طرز فکر و نگرش جدید )**بند پنجم : ناتانائیل ، با تو ..... چمنزارها غرق در شبنم بودند.****قلمرو زبانی:** برمی خاست: بلند می شد. ( اهمیت املائی و معنایی ) / ناتانائیل: منادا

**قلمرو ادبی:** انتظار کشیدن دشت و پذیرای آب شدن: تشخیص / سبک شدن گرد و غبار: کنایه از خشکی بیش از حد زمین / باران و خشکی: تضاد - زمین و هوا: تضاد / ترک خوردن زمین برای خواستن آب بیشتر: حسن تعلیل

**قلمرو فکری:** توصیف پایان شب و رسیدن صبح

**بند ششم: آسمان را دیده ام... غرق در شبم بودند**

**قلمرو زبانی:** سپیده دم: صبح زود

**قلمرو ادبی:** انتظار کشیدن آسمان و رنگ باختن ستاره ها: تشخیص / لرزیدن کنایه از: اشتیاق فراوان داشتن / رنگ باختن کنایه از: غروب کردن، ناپدید شدن / غرق در ... شدن کنایه از زیاد بودن / اغراق: غرق در شبم بودن / سپیده دم، آسمان، ستاره، چمنزار، شبم: مراعات نظیر

**بندهفتم: ناتانائیل، کاش هیچ انتظاری... به چه کار می آید؟**

**قلمرو زبانی:** تملک: مالک شدن، دارا شدن - تصاحب: صاحب و مالک چیزی شدن

**قلمرو ادبی:** رنگ هوس نگرفتن «از روی هوس نبودن چیزی» / تشبیه: (چشمان: مشبه. آسمان نیلگون: مشبه به. صاف و روشن بودن: وجه شبه. مانند: ادات) / تشخیص: انتظار کشیدن دشت / زمین پذیرای آب شود / در انتظار بودن آسمان / مراعات نظیر: آسمان و ستاره ها / چمنزارها و شبم / هوا و زمین

**قلمرو فکری:** مفهوم این قسمت: همه پدیده ها در انتظار هستند. (تسلیم در برابر خدا و تقدیر او. بی ارزش بودن هوا و هوس)

**بند هشتم ونهم: ناتانائیل، تنها خداست... یگانه دارایی آدمی، زندگی است.**

**قلمرو زبانی:** تمایز: فرق گذاشتن، جدا کردن / قائل: پذیرفتن / بامداد: صبح سپیده دم / پگاه: صبح زود

**قلمرو ادبی:** خدا وجود خوشبختی: مراعات نظیر / شامگاه، بامداد: تضاد / فرو می رود و زاده می شود: تضاد / مانند کردن زندگی به دارایی: تشبیه / فرو مردن: کنایه از غروب کردن / زاده شدن: کنایه از طلوع کردن / درد سر: کنایه از مشکلات

**قلمرو فکری:** مفهوم: یکی بودن خوشبختی و خدا - توصیه به داشتن جهان بینی تازه - شگفت زده شدن نسبت به پدیده ها - زندگی، تنها دارایی انسان

**بند دهم و یازدهم: برای من «خواندن... گسترده تو دل انگیز است.»**

**قلمرو زبانی:** مرجع ضمیر «آن»: شن های ساحل / مبتنی: بنا شده، ساخته / نثار: پیشکش کردن، افشاندن / گستره: عرصه، میدان / نفی علم ظاهری (اطمینان و یقین که از راه دیدن حاصل شود.) / (توجه به زیبایی های معنوی در زمین، تجلی زیبایی)

**قلمرو ادبی:** تناسب: شن و ساحل / چشم: مجاز از «نگاه، نظر، عقیده» / حس آمیزی: زیبایی لطیف / مهرم را نثار کنم، کنایه از: «عاشق شدن» / شن نرم: پارادوکس / زیبای عاشقانه زمین: تشخیص

**قلمرو فکری:** مفهوم: تأکید بر تجربه های شخصی و دانش عملی \*زیبا و دلنشین بودن تمامی پدیده های جهان مائده های زمینی و مائده های تازه، آندره ژید

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو زبانی:

- ۱- کدام واژه ها ، در متن درس ، برای شما جدید و غیر تکراری است ؛ معنای هر یک را بنویسید.
- ۲- یک بند بنویسید و در آن ، سه نشانه ندا به کار ببرید.
- ناتانائیل با تو از انتظار سخن خواهم گفت - ای عقل مرا کفایت از تو - سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز ....
- ۳- در جمله زیر نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید:  
- « ناتانائیل ، من به تو شور و شوقی خواهم آموخت .»  
منادا نهاد متمم مفعول

### قلمرو ادبی:

- ۱- عبارت زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید:  
« آسمان را دیده ام که در انتظار سپیده دم می لرزید. ستاره ها یک یک ، رنگ می باختند. چمنزار ها غرق در شبنم بودند.»
- تشخیص ( آسمان در انتظار باشد ) / « می لرزید » : کنایه از اشتیاق فراوان / تناسب ( آسمان و ستاره / چمنزار و شبنم ) / کنایه ( رنگ باختن : محو شدن ) اغراق ( غرق در شبنم بودن چمنزارها )
- ۲- در بند چهارم از متن درس، یک « کنایه » بیابید و مفهوم آن را بنویسید.  
« سوختن » : کنایه از « رنج و عذاب و سختی کشیدن »

### قلمرو فکری:

- ۱- نیکو ترین اندرز نویسنده چیست ؟ در باره آن توضیح دهید. بار بشر را بر دوش گرفتن
- ۲- نویسنده در باره « انتظار » چه دیدگاهی دارد؟ همه پدیده ها در انتظار هستند
- ۳- هر یک از موارد زیر ، با کدام بخش از متن درس ، تناسب معنایی دارد؟  
- به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست سعدی  
هرگز هیچ زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده ام که بی درنگ نخواسته باشم، تمامی مهرم را نثارش کنم. ای زیبای عاشقانه زمین ، شکوفایی گسترده تو دل انگیز است.
- بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو کجا دیدی که بی آتش، کسی را بوی عود آمد مولوی  
اعمال ما وابسته به ماست، هم چنان که روشنایی فسفر به فسفر. راست است که ما را می سوزاند ، اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می آورد. و اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت تر از برخی جان های دیگر سوخته است.
- غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را فروغی بسطامی  
آرزو مکن که خدا را جز در همه جا ، در جایی دیگر بیابی. هر آفریده ای نشانه خداوند است، اما هیچ آفریده ای نشان دهنده او نیست.

۴- کدام عبارت درس ، به مفهوم آیه شریفه « لا تُدْرِكُهُ الْبَصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْبَصَارَ » ( انعام ، آیه ۱۰۳ ) ارتباط معنایی دارد؟

« هر آفریده ای نشانه خداوند است، اما هیچ آفریده ای نشان دهنده او نیست » و « خدا در همه جا هست؛ در هر جا که به تصور درآید، و نیافتنی است. »

۵- جمله « ای کاش، عظمت در نگاه تو باشد»، را با سروده زیر از سهراب سپهری مقایسه کنید.  
« چشم ها را باید شست، جور دیگر باید دید.»

در هر دو متن می گوید باید نوع نگاه را عوض کرد، در هر دو عدم تقلید را مورد تأکید قرار می دهد. تغییر را باید از خود شروع کرد. پدیده ها ذاتاً زیبا هستند.

۶- در عبارت زیر، نویسنده بر چه چیزی تأکید دارد؟ توضیح دهید.

برای من « خواندن » این که شن ساحل ها نرم است ، کافی نیست؛ می خواهم پای برهنه ام این نرمی را حس کند. معرفتی که قبل از آن احساسی نباشد ، برای من بیهوده است». تجربه شخصی

### سه پرسش

### روان خوانی

یک روز این فکر به سر تزار افتاد که اگر همیشه بداند چه وقت باید کارها را شروع کند.....

**قلمرو زبانی:** تزار: پادشاهان روسیه در گذشته / چاووش در داد: جار زد، بانگ زد / چاووش: کسی که پیشاپیش قافله حرکت می کند و آواز می خواند. / رایزن: مشاور / اندیشه ور: اندیشمند / پیشامد: رخداد، حادثه

**قلمرو ادبی:** مو به مو اجرا کردن: کنایه از « بسیار دقیق انجام دادن کاری »

پاسخ فرزندان به پرسش دوم تزار نیز به همین اندازه گونه گون بود. گروه اول گفتند که.....

**قلمرو زبانی:** کشیش: پیشوای مذهبی، روحانی مسیحی / راهب: عابد مسیحی / ژنده: کهنه، فرسوده / باغچه می بست: باغچه درست می کرد / کرت: قطعه کوچک زمین که در آن چیزی کاشته باشند.

**قلمرو ادبی:** باریک میان: کنایه از « لاغر»

تزار نزد او آمد و گفت: « ای راهب فرزانه، نزد تو آمده ام که.....

**قلمرو زبانی:** فرزانه مرد: ترکیب وصفی مقلوب ( مرد فرزانه ) / چنبر: دایره، حلقه / جويا: جستجوگر، ورنانداز

کردن: اندازه چیزی را با نگاه تعیین کردن

www.my-dars.ir

**قلمرو ادبی:** تشبیه: مثل مار چنبر زد.

### درک و دریافت:

۱- کدام شخصیت داستان بیشتر مورد توجه شما قرار گرفت؟ چرا؟

۲- پاسخ شما به پرسش سوم تزار چیست؟

**نیایش****الهی**

الهی ، به حُرمت آن نام که تو خوانی و به حُرمت آن صفت که تو چنانی ، دریاب که می توانی.

الهی، عاجزم و سرگردانم ؛ نه آنچه دارم ، دانم و نه آنچه دانم ، دارم.

الهی ، در دل های ما جز تخم محبت مکار و بر جان های ما جز الطاف و مرحمت خود منگار و بر کشت های ما جز باران رحمت خود مبار. به لطف ، ما را دست گیر و به گرم ، پای دار.

الهی ، حجاب ها را از راه بردار و ما را به ما مگذار.

**قلمرو زبانی:** الهی : منادا / منگار : نقش مبنی، منگار / مبار : فعل نهی / گرم : بخشش ، لطف

**قلمرو ادبی:** تخم محبت : اضافه تشبیهی / کشته ها : استعاره از اعمال انسان / باران رحمت : اضافه تشبیهی /

دست گرفتن: کنایه از حمایت کردن / تکرار: دانم / مگذار: کنایه از رها نکن / پای دار: ثابت قدم بودن

خواجه عبدالله انصاری

**با آرزوی بهروزی و موفقیت**

**گروه درسی ادبیات فارسی استان آذربایجان شرقی**

شهریور ۹۹

www.my-dars.ir